

جمهوری اسلامی عملاً در کنار عراق قرار گرفت

خامنه‌ای در میانه‌ی حمله‌ای شدید به آمریکا و با اعلام جنگ مقدس علیه حضور نظامی این کشور، عملاً از صدام حسین دشمن چندین ساله خود اعلام حمایت کرد

برای شرکت در تحریم اقتصادی عراق، حلقه محاصره را بر گرد خویش تنگ‌تر احساس کرد. نیاز جدی عراق به ادامه جریان ورود فرآورده‌های صنعتی و برخی مواد نیم‌ساخته و خام و مهمتر از آن ایجاد امکان برای فروش نفت خود، چشم‌انداز کسب سودهای کلانی را برای سردمداران جمهوری اسلامی پدید آورده است. نمونه ترکیه که به هنگام محاصره اقتصادی ایران بقیه در صفحه ۲

اسلامی، موقعیت عراق را تحکیم کند. طارق هزیز به تهران آمد تا معامله‌ای پرسود را به حکومتگران بازاری ایران پیشنهاد کند. این معامله سرگرفت. سخنان خامنه‌ای در روز چهارشنبه ۲۱ شهریور اعلام رسمی سرگرفتن این معامله بود. آخوندهای حاکم از این بده‌بستان چه سودی را انتظار می‌کشند؟ بدنبال قول پرداخت رشوه کلان چندمیلیاردی از طرف قدرت‌های غربی به ترکیه و اردن

بی‌سابقه ۶۶۵۶۶۵ شورای امنیت که در روز ۲۵ اوت به تصویب رسید، توسل به اسلحه برای اجرای تحریم اقتصادی عراق را نیز مجاز اعلام کرد. خطر ایجاد درگیری نظامی و تنگنای تحریم اقتصادی، وزیر امور خارجه عراق را به تهران کشاند تا برای شکستن حصر اقتصادی، رفع انزوای سیاسی و تقویت مواضع خود در قبال آمریکا و متحدینش با دادن امتیازها و پیش‌کش‌های سیاسی و اقتصادی به رژیم بحران زده جمهوری

نتایج دیدار طارق یوحنا عزیز وزیر امور خارجه عراق از ایران و مذاکرات پشت پرده وی با مقامات جمهوری اسلامی بتدریج آشکار می‌شود. شواهد بر این امر دلالت دارند که رژیم آخوندی توافق‌های بسیار گسترده و مهمی را با دیکتاتور عراق به عمل آورده است. نتایج این دیدار و توافق‌های مخفیانه انجام یافته، مطابق انتظار، رسماً اعلام نشده است.

به‌دنبال تجاوز نظامی صدام حسین به کویت، لشکرکشی بی‌سابقه آمریکا و متحدانش به منطقه آغاز شد. آمریکا نیروی عظیمی را در منطقه و در خاک عربستان سعودی مستقر کرد تا دیکتاتور عراق را که گستاخانه حق انحصاری تجاوزگری آمریکا را نادیده گرفته بود تنبیه کند. مقابله صدام حسین با خطر حمله نظامی آمریکا از طریق گروگان‌گیری اتباع کشورهای غربی مقیم عراق و کویت بر دامنه تشنج افزود. همسویی اکثر کشورهای جهان در محکوم شناختن اشغال نظامی کویت توسط عراق و خواست رفع مسالمت آمیز این تجاوز روش محاصره اقتصادی عراق را در دستور قرار داد. قطعنامه

اکثريت

دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۹ برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره ۳۱۹

وحشت از روشنگری

بدنبال یورش به امضا کنندگان نامه سرگشاده به فرانسجانی، رژیم با حمله به گردانندگان نشریه "آدینه" قدم دیگری علیه روشنفکران ترقی‌خواه کشور برداشت. هیچ رژیمی هر اندازه هم که مستبد باشد، نمی‌تواند تمام مجاری تنفس جامعه را مسدود سازد و همیشه روشنفکرانی وجود دارند که در جستجوی راهی برای حرف زدن با مردم خویش این مجاری تنفس را باز می‌یابند. رژیم فقها و استبداد فقهاتی از این تاعده مستثنی نیست و روشنفکران میهن ما به اتکالی سالها زندگی زیر سر نیزه استبداد، به خوبی آموخته‌اند که در شرایط ترور و اختناق منافذ موجود زیر



نتایج دیدارهای پشت پرده وزیر امور خارجه عراق با مقامات جمهوری اسلامی از سفر به تهران هنوز آشکار نشده است.

سومین دیدار گارباچف و بوش



در روز یکشنبه ۹ سپتامبر میخائیل گارباچف و جرج بوش، روسای دو کشور اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، برای سومین بار با یکدیگر ملاقات کردند. دیدار این دو، که بحران در خلیج فارس انگیزه آن بود، در شهر هلسینکی صورت گرفت. در پایان گفتگوی بوش و گارباچف اطلاعاتی مشترکی از جانب آنان صادر گردید، که ترجمه کامل آن در همین شماره نشریه درج شده است. همچنان که در این اطلاعیه آمده است آمریکا و شوروی برآنند

که زیر پوشش تمهیدات شورای امنیت سازمان ملل متحد با تجاوز عراق به کویت مقابله کنند. اطلاعاتی می‌گوید "ما ترجیح می‌دهیم که بحران به صورت مسالمت آمیز برطرف گردد... ما به طور اکید مصممیم که به تجاوز خاتمه بخشیم. اگر اقدامات فعلی موفقیت آمیز باشد، ما این آمادگی را داریم که در انطباق با منشور ملل متحد، تمهیدات دیگری پیش گیریم." این جمله آخر مورد تفسیرهای مختلفی قرار گرفته است. تقریباً همه ناظرین سیاسی از آن این برداشت را کرده‌اند، که شوروی و آمریکا توافق نظر یافته‌اند که اگر تمهیداتی مثل

تحریم اقتصادی عراق، کارساز نبود، به راه حل نظامی رو آورند. البته گارباچف در کنفرانس مطبوعاتی هلسینکی تأکید کرد که وی وقتی از "تمهیدات دیگر" صحبت می‌شود، راه حل نظامی را در نظر نمی‌آورد. بوش در این مورد گفت که این مساله، یک "مساله فرضی" است و دیگر توضیحی نداد که در مورد فرض راه حل نظامی آمریکا دقیقاً چه موضعی دارد.

دزدی داریم قاذوی!

کعبان ۱۵ شهریور خبر داده است که دست ۳ سارق را در زندان قصر تهران قطع کرده‌اند. چرم یکی از این ۳ سارق یک فقره سرت و یک فقره شروع به سرقت، دیگری ۷ فقره سرقت و ۵ فقره شرکت در سرقت و سومی یک فقره سرقت بوده است. روابط عمومی دادسرای همومی تهران موارد این سرقتها را ذکر نکرده است. اما از اخبار متعددی که در لابلای صفحات روزنامه‌ها درج می‌شود پیداست که اینگونه سرقتها که هر روزه دهها و صدها مورد آن اتفاق می‌افتد "قذایه دزدی"هایی است که

همداتر بر زمینه فقر و احتیاج شدید صورت می‌گیرد. حالا به خبر دیگری در همین شماره از روزنامه کعبان توجه کنید. طبق سوال نمایندگان آبادان، بهبهان و اصفهان از وزیر نفت، آقای نوری امام جمعه مسجد سلیمان با فروش هزاران تن لوله نفت متعلق به وزارت نفت ۶۵۰ میلیون ریال به جیب زده و در حساب‌های شخصی او واریز کرده و در مواردی، نامشخص هزینه کرده است. وزیر نفت برای پاسخگویی به این سوال در مجلس حاضر شده و می‌گوید: "چند سال قبل امام جمعه مسجد سلیمان

اعدام ۵۱ مجرم طی يك روز

تجاوز و قاچاق را وابستگان به همین گروه‌ها تشکیل می‌دهند. آنها با استفاده از حمایت‌های رژیم به هر جنایت و خلافکاری دست می‌زنند. کار به جایی رسیده است که حجت الاسلام مقتدایی رئیس دیوان عالی کشور مجبور شد برای نخستین بار به این واقعه اعتراف کند. وی در سخنانی در مشهد (۱۴ شهریورماه) گفت: "جنگ تحمیلی و وجود پناهندگان خارجی از عوامل مهم افزایش جرمهای متعدد در کشور می‌باشند."

اعدام و مجازاتهای قرون وسطایی نه می‌تواند مفاسد اجتماعی را ریشه کن کند و نه شیوه‌ای انسانی و معاصر برای مقابله با این مفاسد است. ما هم اعدام و مجازاتهایی نظیر قطع دست را شدیداً محکوم می‌شناسیم. برای مقابله با قاچاقچیان و بزهکاران در کشور ما باید قوانین انسانی جاری شود، به فعالیت گروهها و باندهای مجاهد افغانی پایان داده شود، برای توده مهاجرین افغانی سیاستهایی در جهت اشتغال و تامین زندگی انسانی اتخاذ شود. در چشم اندازی کلی تر باید مقررات ارتجاعی و دست و پاگیر اسلامی که جوانان را دچار فرسودگی روحی و جسمی ساخته کنار گذاشته شود و با ایجاد رفاه اجتماعی و فرهنگ مترقی ریشه‌های جرایم اجتماعی تا حد اکثر مهار شود.

برای معار مغاسد و به گسترش اجتماعی رژیم به کشتار و وحشیانه و مجازاتهای سنگین علیه قاچاقچیان و مجرمین دست یازیده است. تنها طی چند روز ۴۸ قاچاقچی مواد مخدر در مشهد اعدام شدند، ۳ راهزن در خاش و در ملا هام به دار آویخته شدند. دست ۳ سارق در زندان قصر تهران قطع شد... علیرغم مجازاتهای سنگینی که رژیم در مورد خلافکاران اجتماعی در پیش گرفته است و تمهیدهایی که در مورد قاطعیت بیشتر در برخورد با آنان صورت میگیرد، جرایم اجتماعی نظیر دزدی، قاچاق، قتل، آدم ربایی، تجاوز و کلاهبرداری دامنه هر دم وسیعتری بخود میگیرد و ابعادی کاملاً نگران کننده یافته است. توسل رژیم به اعدام‌های گسترده و مجازاتهای قرون وسطایی تاکنون نتوانسته است مانع بروز و گسترش این جرایم شود و پس از این نیز نخواهد توانست بشیوه موثری برای کاهش اینگونه جرایم گردد.

- در این شماره
- جهان سوم
- در ادبیات کودکان و نوجوانان غرب
- در صفحه ۶
- طرح پیشنهادی برای حل مساله کردها
- در ترکیه
- در صفحه ۸
- بسکتبال جوانان آسیا: تیم ایران دهم شد
- در صفحه ۵
- نمایش "سوگ سیاوش" در کلن
- در صفحه ۴

شرایط اجتماعی که رژیم جمهوری اسلامی در ۲۱ سال حکومت خود در کشور ما پدید آورده زمینه ساز گسترش همه نوع مفاسد اجتماعی است. فقر و نیاز شدید، به دزدی میدان میدهد، جنگ‌نشارهای روحی و نبود امکانات تفریحی و ورزشی جوانان را به سوی مواد مخدر سوق میدهد، فساد حاکم بر دستگاه اداری کشور، کلاهبرداری و ارتشا را پدید میآورد. جامعه ما هم از نظر اقتصادی، هم از نظر اجتماعی و هم از نظر فرهنگی بحران زده است و این بحران مفاسد اجتماعی را گسترش می‌دهد و به آنها دامن می‌زند.

سیاست رژیم در جهت همکاری با باندهای ضد انقلابیون افغانی و کشاندن تعداد هر چه وسیعتری از ناراضیان کشور همسایه به ایران، عامل تشدید کننده این وضع است. رژیم به دلایل سیاسی این گروهها را مورد حمایت همه جانبه قرار داده و بر قاچاق گسترده مواد مخدر توسط آنان چشم پوشیده است. اکنون مجاهدین افغانی چنان تشکیلاتی به هم زده‌اند که رژیم دیگر اگر بخواهد هم به آسانی قادر به مهار آنها نیست. دستجات گوناگون مجاهدین افغانی مورد حمایت رژیم بزرگترین عامل قاچاق مواد مخدر از مرزهای شرقی کشور هستند. در میان ۴۸ قاچاقچی اعدام شده در مشهد اسامی یک باند قاچاق افغانی که به صورت کاروانی و مسلحانه اقدام به وارد کردن مواد مخدر میکرده‌اند، به چشم می‌خورد. بخش عمده ای از متهمین به قتل، سرقت،

جمهوری اسلامی رسمآ درکنار عراق قرارگرفت

بقیه از صفحه اول
با واسطه‌گری در فروش محصولات آمریکایی و اروپایی به ایران به قیمت‌هایی شاید تا چند برابر، به اقتصاد ورشکسته خود سرو سامانی داد، در پیش چشم قرار دارد.

جمهوری اسلامی از سوی با پیشنهادی اشتها برانگیز عراق روبروست و نمی‌تواند از آنچه همین امروز از معامله بادیکتاتور عراق عایدش خواهد شد چشم‌پوشد و از سوی دیگر علاوه بر نگرانی از تثبیت موقعیت برتر رژیم صدام در منطقه نمی‌خواهد رشته‌هایی که تا امروز در جهت بهبود مناسبات با غرب بافته شده پنبه شود و آمریکا و ناتو در مقابلش قرار گیرند. علاوه بر اینها تضادهای درون رژیم و نارضایتی سپاه و نیروهای نظیر آن از سکوت عملی در مقابل لشکرکشی آمریکا و تلاش برای بهبود مناسبات با عراق تا حد تطهیر صدام حسین نیز بر گروه‌بندی حاکم فشار وارد می‌سازد. موضع‌گیری خامنه‌ای در شرایطی که مذاکرات برای حل مسائل با غرب ادامه دارد برآیند مجموع فشارهایی است که بر سران رژیم وارد می‌شود.

شواهد نشان می‌دهد که در این زمینه جناح‌های رژیم به توافق و مواضع کم و بیش مشابهی رسیده‌اند. جناح حزب‌الله افراطی تصمیم به نزدیکی به عراق را با کوبیدن بر طبل ضد آمریکایی خود به پیش می‌برد. در شرایط صفا آرای عراق و آمریکا، در مقابل هم، حمله شدید و پر مناسبتی را برای نمایش ضرورت نزدیکی به طرف دیگر، عراق، پدید می‌آورد چه واقع‌اند آخوند‌های جنایتکار حاکم که سال‌ها با نغیرهای شوم جنگ، جنگ با هدف پیروزی بر «صدام یزید مغلقی»، به جنگی ادامه دادند که هستی صدها هزار انسان را در تنور خودسوزاند و ویرانی‌ها و صدمات بی‌شماری به بار آورد. اکنون به ناگهان این «دشمن خدا» همان صدام آمریکایی به بخشی از «امت اسلامی در بیکار مقدس علیه شیطان بزرگ» و نیروی آزادی «ماکن متبرکه از جنگ حاکمان بی‌کفایت سعودی» تبدیل می‌شود. و این در حالی است که همچنان در تبلیغات خود از پیروزی و حقانیت در ادامه جنگ تا زمان پذیرش قطعنامه شورای امنیت دم می‌زنند. راستی را که وقاحت و تبمکاری سردمداران رژیم آخوندی را حدی نیست.

دزدی داریم قاذردی!

بقیه از صفحه ۱
در حال حاضر صورت هزینه‌های انجام شده از طرف امام جمعه مسجد سلیمان به استانداری ارائه شده و مختصر اختلاف موجود در حال بررسی است.^{۱۴}

چنین است معنای اجرای عدالت در جمهوری اسلامی. سارتی راه جرم یک فقره سرت کویچک قطع دست می‌کنند و آخوندی را که ۵۰۰ میلیون ریال دزدی کرده است آزاد می‌گذارند تا در نماز جمعه به مردم درس اخلاق بدهد و در مورد فواید قانون اسلامی قطع دزدان سخنرانی نماید!

اکثريت

وحشت از روشنگری

خطر بلند می‌شود. در اینجا دیگر باند محتشمی، یا دسته رسالت یا گروه رفسنجانی نیست که چماق‌دار علم می‌کند کل رژیم است که یک سیاست همدمند راپیش می‌برد. سیاستی که محور آن هدم تحول نهادی است که مستقل از رژیم با مردم رابطه برقرار کند.

این سیاست پیش از این نیز وجود داشت. اما امروز بر جسته‌تر از گذشته در دستور روز رژیم قرار گرفته است. نخست به این دلیل که جنبش روشنگری و روشنگری ابعاد بسیار گسترده و خطر سازی یافته است و دوم بدین سبب که دنیا طی چند سال اخیر دستخوش تحولات همیق شده و ملاحی مابه چشم خود دیدند که چگونه «جنبش‌های در سایه» مثل آتش زیر خاکستر، بی‌آنکه به چشم بیایند، ماندند، بالیدند و با سرعتی باور نکردنی با وزش نخستین نسیم‌ها، از زیر

تقدیر می‌خواهند زنده بمانند و برای زنده ماندن با همه نغرتی که از فرهنگ، دانش، عقل‌گرایی و تجدد دارند، مجبورند صاحبان دانش و تخصص را در حد نیاز خود تحمل کنند و هم در اینجا است که نخستین منافذ گشوده می‌شود و روشنفکران تحمل شده، حضور خود را تحمیل می‌کنند، راه می‌گشایند و به پیش می‌روند.

برای فقها اما، این پیش روی فقط تاحد معینی قابل تحمل است و وقتی نود نفر نامه‌ای را امضا می‌کنند، زنگ خطر به صدا درمی‌آید: خطر اینکه بر بستر نغرت همیق مردم، فردا «نود» به نهد تبدیل شود و با افزایش صغرها جنبشی تازه پا بگیرد.

هنگامی نشریه‌ای فرهنگی که در چارچوب قانون اساسی رژیم، با احتیاط و بازبان آزیب از فرهنگ و هنر مترقی می‌نویسد و به ممت مردم، به رقم محاصره اقتصادی، سر پا می‌ماند، باز هم صدای آژیر

والدین باید بخشی از هزینه تحصیلی فرزندان خود را به مدارس پرداخت کنند

گیلان- خبرنگار زن روز: بخشی هزینه‌ها گرفته شود و در صورت تصویب از هزینه تحصیلی دانش‌آموزان از این طرح ۵۰ درصد از خانواده‌ها ۱۰ درصد در یافت خواهد شد. درصد هزینه‌های تحصیلی فرزندان خود دکتر نجفی، وزیر آموزش و پرورش ضمن رأی‌برداری می‌کنند و آن دسته از خانواده‌هایی که از درآمد بالایی - طرح آموزش و پرورش در این زمینه برخوردار هستند، خسود ۳۰ درصد در صورت تصویب و با در نظر گرفتن هزینه‌های تحصیلی فرزندان خود را تقبل درآمد خانواده‌ها اجرا می‌شود. می‌کنند.

وی با تأکید بر اینکه تازمانی که مجلس شورای اسلامی برای پرداخت شهریه کرد: مصوبه‌ای ارائه ندهد، دریافت اجباری - با اجرای این طرح در مجموع ۱۰ شهریه ممنوع است، گفت: درصد هزینه‌های تحصیلی توسط مردم - طرحی در دست است تا بر اساس پرداخت می‌شود و ۹۰ درصد هزینه‌ها را درآمد خانواده‌ها، پولی بابت بخشی از دولت می‌پردازد. □

**دبیرستان دخترانه تشکیل جلسه داد و اعتراض پیش از
بروجرد منحل شد**
۴۰۰ تن از دانش‌آموزان و اولیای آنها خطاب به وزیر آموزش و پرورش، نماینده بروجرد- دبیرستان دخترانه در این استان را جهت اطلاع این مقامات مخابره ساله دختران دانش‌آموز موفقی در شد.

رشته علوم تجربی راهی دانشگاه‌های در این ارتباط معاون اداره آموزش و کشور می‌کرد، به علت کمبود فضای پرورش در گفتگو با خبرنگار ما گفت: مسئله انحلال دبیرستان ولایت قبه آموزشی منحل شد.

در پی انحلال دبیرستان دخترانه در کار نیست. این دبیرستان به علت ولایت قبه بروجرد و جایگزینی کمبود فضای آموزشی به طور موقت دبیرستان فنی و حرفه‌ای دختران، برای یکسال، به دبیرستان سمیه انتقال انجمن اولیاء و مربیان این دبیرستان داده خواهد شد. □

رودبار خانه من است. هیچکس نمی‌تواند مرا از خانفام دور کند»
می‌خواستی بگویی: «توی رودبار بچه‌ها پزشکی ندارند، توی رودبار، خیلی از بچه‌های کوچک می‌میرند. توی رودبار امکانات درمانی کم است و...»
می‌خواستی همه این حرف‌ها را با توپ و تشر به فامیلت بفهمانی اما حرمتشان رانگاه داشتی و با لبخندی گرم پاسخ آنان را ایستور دادی... «... نه، من به شهرم باز می‌گردم».

فامیلت در برابر تصمیم و اراده و اعتقاد تو سر فرود آوردند و تو آمدی...
آی دکترجان هرگز یادم نمی‌رود روزی که تابلوی مطبیت در رودبار بالا رفت... «دکتر... متخصص... از آمریکا». این تابلو، انگار نور امید را در قلب مردم شهرت دمید، این تابلو انگار پیک سلامتی و خوشبختی بود این تابلو... آی دکتر جان هرگز فراموش نمی‌کنم که پیر زن همسایه ما با همان قد خمیدمو تا شده‌اش روزی به مطبیت آمد و با صدایی لرزان به تو گفت: «سلام زای، تی احوال چطوبه الهی خدا، ترده زنده‌واله تی جان ساق بوکونه!»

و از فردای آنروز بوچه که مطبیت: غلغله شد رودبارها همه به مطبیت می‌آمدند و تو دردهایشان را تسکین می‌دادی و بیماری‌شان را مداوا می‌کردی و... آی دکتر جان اگر زلزله نمی‌آمد، تو حالا توی مطبیت بودی با همشهریها خوش و بش می‌کردی:

- کاس آقا، تره بوگوتم که پلاکتر بوخور ۲۵
- دوکتور بچان، نه تنم، پلا نوخورم چی بوخورم! ۳۵
آی دکتر جان زلزله آمده، انگار زمین و زمان سیاه شد، انگار سیل غم روان شد همه چیز خراب شد، همه چیز ویران شد، انگار هیچکس توی رودبار زندگی نمی‌کرد، انگار، همیشه اینجا یک ویرانه بود یک ویرانه... آی دکتر جان توی شهر خیلی‌ها مردند پیرزن همسایه مرد، «کاس آقا» مرد...

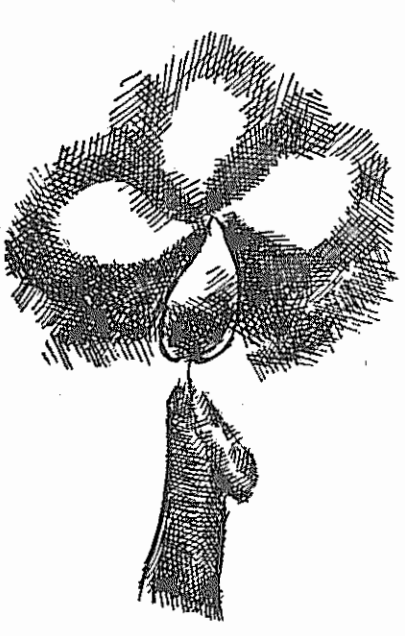
حالا شهر یک ویرانه است، هیچ چیز از آن باقی نمانده، توی این ویرانه فقط من و چند نفر دیگر هستیم که دنبال مطب «تو» می‌گردیم. نه مطب ات با خاک یکسان شد خانهات هم همینطور. بچه‌های معلوم نیست چه شدند؟ خودت را پیدا کردیم زیر خروارها خاک بودی، صورتت سیاه و گیوود بود اما جای لبخند همیشگی روی آن آشکار بود انگار با وجدانی آسوده به خواب رفته بودی، انگار خوشحال بودی که در سرزمین خودت مردی، انگار... یک نفر از همشهریها که زخمی و خونین و مالمین از زیر آوار به در آورده شده بود تا ترا دید توی سرش زد و گفت: «دوکتور جان چی ره با مویی کی زلزله تی ره بو بوره» تو می‌خواستی اگر روینداد و حادثه‌ای برای مردم شهرت، برای مردم رودبار پیش بیاید در کنارشان باشی و همینطور هم شد زلزله ترا با مردم شهرت بردو... آی دکتر جان، تو افتخار شهر ما بودی...

۱- سلام پسر، حالت چطور است؟ الهی خدا ترا زنده نگاه دارد و جانات را سلامت بدارد.
۲- کاس آقا به تو نگفتم نه پلو کمتر بوخور
۳- دکتر جان نمی‌توانم. پلو نوخورم چی بوخورم
۴- دکتر جان، چرا آمدی که زلزله تو را ببرد

هیچو- ب

به یاد پزشک فداکار رودباری که در زلزله اخیر جان باخت

دکتر جان تو افتخار شهر ما بودی



یک روز بهاری بود، یک روز روشن و خنک بهاری که آمدی، کوله بارت یک چمدان پر از لبخند و محبت بود و هدیهات سلامتی و عشق. آخر دکتر جان تو، پزشک بودی یک پزشک تحصیل‌کرده «آمریکا» پزشکی که هیچوقت مردم دردمند و مهربان کشورش را به بیگانه نفروخت و به بهانه تحصیل در آمریکا و دارا بودن تخصص و نداشتن امکانات رفاهی در ایران مردم مملکتش را تنها و بی‌یار و یاور گذاشت برای اینکه به بیگانه خدمت کند. آی دکتر جان تو، رودباری بودی، پدر و مادر و اجدادت در دامنه سرسبز این کوهپایه‌های سالهای دراز زندگی می‌کردند. آنها، در باغهای سرسبز، زیتون می‌کاشتند و در شالیزارها، برنج برداشت می‌کردند. زندگیشان، کار و رنج و تولید بود و دسترنج طلاقت فرسایشان، چه آسان و بی‌دردسر، روانه بازارها می‌شد. سالها در این دامنه سرسبز کوه، آبا و اجدادت و پدر و مادرت و خواهران و برادرانت زحمت کشیدند. دکتر جان! تو، گل سرسبز «رودبار» بودی زیرا مثل همه شالیکاران و زیتون‌کاران اصیل و زحمتکش می‌خواستی به مملکت و مردم مرزو بومت خدمت کنی، وسیله ابزار تو برای این «خدمت» دانش و علم و پزشکی بود. تو فرزند یک «زیتون‌کار» بودی، سالها پیش، آنزمان که هنوز دانه‌های زیتون به روی درختهای رودبار کال و نارس بودند از «رودبار» خارج شدی. از این شهر سرسبز رفتی تا در خارج از کشور درس بخوانی... اما، دل تو با این مردم بود، قلبت با مردمی بود که زیر سقفهای سفالین خانه‌شان، گاه بیگانه پرپر زدن کودکان بیمارشان را می‌دیدند. همان مردمی که تو با آنان عهد و پیمانی جاودانه بسته بودی. دکتر جان آنروز که با یک ساک کوچک از رودبار خارج می‌شدی به خود و به همه مردم شهرت قول دادی که باز می‌گردی، گفتی: «برمی‌گردم» زیرا هیچ کودکی در رودبار نباید از تبی دو ساعته بمیرد، زیرا می‌اندیشیدی که کودکان، جوانهای باغهای سرسبز زیتون‌داران از شکوفه‌های سپید باغ زندگی... سالها پیش از سرزمینت از دیارت، از رودبار رفتی به عزم قاره‌ها و کشورهای دور، به سوی آن کشوری که همه چیز مردم جهان را برای خود می‌خواهد و مغزها و نخچه‌های این آب و خاک را هم با افسون خویش مجذوب می‌سازد. «تو» رفتی ولی هیچگاه این فکر در ذهنت خطور نکرد که در «بینگه دنیا» برای همیشه و تا آخر عمر بمانی. تو به فکر کودکان یا برهنه و زرد روی شهر ما بودی، تو به فکر، باغهای «زیتون» بودی

که هنوز به بار تنشسته بودند. تو به فکر خوشه‌های سبز برنج بودی که در شالیزارها به انتظار دستهای پینه بسته شالیکار بودند. تو، هوای پاک کوهسار رودبار را طلب می‌کردی و بوی گس و تند شالیزار را... آی دکتر جان تو پس از سالها باز گشتی. فامیل تو، اقوام نزدیک تو، آنانی که همراه تو به آمریکا رفته بودند در خارج از کشور ممانندند. آنان به تو گفتند: «دکتر جان برای چه به ایران بر می‌گردی همین جا بمان آنها تکرار کردند که «تو در مجهزترین بیمارستانها کار می‌کنی وضع مالی خوبی داری، همسر و فرزندان در رفاه هستند. آینده شغلی تو تضمین است چرا می‌خواهی به ایران برگردی؟» آی دکتر جان تو با شنیدن این حرفها عصیان و ناراحت شدی، می‌خواستی سر اقوامت فریاد بسکشی، می‌خواستی بگویی: «اگر تنها من و خانواده من در ناز و نعمت و رفاه زندگی کنیم کافیتست».

می‌خواستی داد بزنی: «مگر من آمریکایی هستم که در این سرزمین بمانم. من اهل ایرانم و اهل رودبار

سومين ديدار گارباچف و بوش

بقيه از صفحه اول
كرده بود كه "هرگونه تلاش براي احياي وضعيت پيش از ۲ اوت ۱۹۹۰ (زمانی كه عراق به كويت حمله كرد) بی ثمر و مذبوحانه است." صدام حسين در اين پيام ادای خميني را درآورده، خود را بنده راستين خدا نام نهاده و تلاش ورزيده بود به خاطر حضور سربازان آمريكايي در عربستان احساسات مذهبي مسلمانان را تحريك كند. اين پيام ثابت مي كند كه حكومت عراق در عين حال كه بر روی موضع خود تاكيد دارد، نگران نتايج هم نظري شوروي و آمريكا بر سر مساله تجاوز به كويت است.

اطلاعيه مشترك گارباچف و بوش در هلسينكي

در پايان ملاقات گارباچف و بوش در هلسينكي اطلاعاتي اعلاميه زير از جانب آنان انتشار يافت. مضمون اطلاعاتي موضوع مشترك آنان در قبال بحران در خليج فارس است:
"ما در اين مورد هم نظريم كه تجاوز عراق (به كويت) قابل چشم پوشي نيست. بر قراري يك نظم بين المللي صلح آميز غير ممكن است، اگر كشورهاي بزرگ همسايه هاي كوچكتر خود را به انقياد خويش در آورند. ما بدينوسيله بر اعلاميه مشترك ۱۳ اوت ۱۹۹۰ و زراي خارجه خود و قطعنامه هاي ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ شواري امنيت سازمان ملل متحد تاكيد مي ورزيم، ما از حكومت عراق مي خواهيم بي قيد و شرط از كويت عقب بنشيند، استقرار مجدد حكومت مشروع كويت را بپذيرد و همه كساني را كه در حال حاضر در عراق و كويت گروگان گرفته شده اند، آزاد كند.

براي ما هيچ چيزي كمتر از تحقق كامل قطعنامه هاي شوراى امنيت قابل قبول نيست. فقط بازگشت كويت به وضعيت پيش از ۲ اوت (زمان حمله عراق) مي تواند به انزوای عراق پايان بخشد.
ما از همه كشورهاي جهان مي خواهيم به نتيجاتي كه سازمان ملل عليه عراق در نظر گرفته است، جامه عمل بپوشند. ما خود متعهد شويم كه چه جداگانه و چه به صورت مشترك در زمينه اعمال كامل اين مجازات ها تلاش ورزيم. ايالات متحده آمريكا و اتحاد شوروي در عين حال قطعنامه ۶۶۱ شوراى امنيت را كه در آن صدور مواد غذايي به كويت و عراق را به دليل انساني مجاز اعلام کرده است، به رسميت مي شناسند. كميته اعمال مجازات مخوم دقيق توصيه در زمينه در نظر گرفتن دلايل انساني را به اطلاع شوراى امنيت خواهد رساند.

علاوه بر اين ايالات متحده آمريكا و اتحاد شوروي در اين مورد توافق نظر دارند كه صدور مواد غذايي بايد به طور اكيد از جانب نهادهاي مسئول بين المللي تحت كنترل قرار گيرد تا اطمينان حاصل شود كه مواد غذايي به دست خود مردم رسانده مي شود و به ويژه احتياجات كودكان را برطرف مي كند.

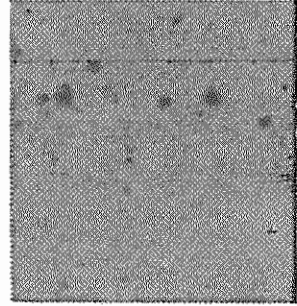
ما ترجيح مي دهيم كه بحران به صورت مسالمت آميز بر طرف گردد. ما تا زماني كه بحران بر طرف نشده عليه تجاوز عراق اتحاد نظر خواهيم داشت. ما به طور اكيد مصميميم كه به تجاوز خاتمه بخشيم، اگر اقدامات فعلي موفقيت آميز نباشند، ما اين آمادگي را داريم كه در انطباق با منشور ملل متحد، تمهيدات ديگري را پيش گيريم. ما مي خواهيم براي همگان روشن شود، كه تجاوز گري نمي تواند و نبايد كه بي پاسخ بماند. تا زمان تحقق اهداف قطعنامه هاي شوراى امنيت سازمان ملل متحد و به منظور نشان دادن اين كه تجاوز بي پاسخ نمي ماند، روساي دو كشور وزراي خارجه خود را به مواظف مي كنند با كشورهاي داخل و خارج منطقه تمهيدات امنيتي لازم براي برقراري صلح و ثبات ايجاد و برقرار نمايند. تلاش فعال براي پايان بخشيدن به همه تخاصات موجود در خاور نزديك و خليج فارس داراي يك اهميت مركزي است. هر دو طرف پس از اين نيز همچنان با يكديگر مشاوره کرده و تمهيداتي در نظر مي گيرند، تا دريك فرصت مقتضي، ديگر آماج هفتنه در متن اين موضوع را، پيگيري نمايند."

كلاه شرعي براي سلمان رشدي!

كردن رشدي مقدمه اي است براي دوختن كلاه شرعي و رها نيدن گريبان حكومت فتحا از چنگ فتواي جنون آميز خميني و بر طرف كردن مانع "رشدي" از سراسر راه بعبود مناسبات با قرب. چرا كه ديوانگان شرها مسئول سخنان خود نيستند. به راستي كه سياست فتحا عين ديانت آنهاست.



هفته گذشته خبر گذاري آلمان به نقل از جيانى دوميكليس وزير امور خارجه ايتاليا اعلام كرد كه ايران و كشورهاي بازار مشترك اروپا بر سر مسئله سلمان رشدي نويسنده انگليسي كتاب آيات شيطاني به زودي به توافق خواهند رسيد.
قرار است در سفر آتي ولايتي وزير امور خارجه رژيم جمهوري اسلامي به نيويورك براي شركت در اجلاس سازمان ملل متحد گفتگوهاي دو طرف براي پيدا كردن راه حل نمايي ادامه يابد. از سوي ديگر يكي از وابستگان جمهوري اسلامي در انگلستان اظهار داشته كه "سلمان رشدي" ديوانه است، به نظر مي رسد كه ديوانه قلمداد



هنري كى سينجر:

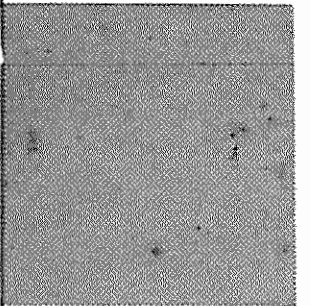
بوش از گذرگاه بدون بازگشت عبور کرده است

توضيح: اين مقاله در روزهاي اول بحران نوشته شده.
تصميم شجاعانه پرزيدنت بوش جهت استقرار نيروي نظامي بزرگي در عربستان سعودي در عين حال كه چشم اندازهاي پيروزي پديدار نمود، امكانات شكست را نيز فراهم نموده است. در حقيقت ايالات متحده از گذرگاهي عبور کرده است كه امكان بازگشت پس از آن مسدود است. به اين دليل بررسي دقيق امكانات موفقيت و شكست اهميتي بسزادارد.
شو راي امنيت سازمان ملل باتفاق آرا خواستار عقب نشيني نيروهاي عراقی و استقرار حكومت قانوني در كويت گرديد. در چنين شرايطي اگر عراق بتواند در كويت باقي بماند يا از طريق يك حكومت دست نشانده گنترل غير مستقيم خود را اعمال نمايد، نمايش نظامي آمريكا با شكست مختصانه اي روبرو گرديده است.

در هفته هاي اخير مفسران و سياستمداران مختلف جهان در باره اهزام نيروهاي آمريكايي به خليج فارس پس از اشغال كويت توسط عراق، اهداف اين لشكركشي، خطرات و ضرورت هاي آن اظهار نظر کرده و مي كنند. در اين اظهار نظرهارا محافظه كارترين نظرات كه خواهان حمله نظامي فوري به عراق و حل قاطع نظامي بحران

است تا نظراتي كه بر حل همومي بحران خاورميانه تاكيد دارند و آمريكا را از راه حل هاي ماجراجويانه بر حذر مي دارند ابراز گرديد. در اينجا ما با بخش هايي از مقالاتي كه توسط چند تن از سياستمداران و مفسران برجسته فربي در اين رابطه انتشار يافته است جهت اطلاع از نظرات گوناگون در اين رابطه درج مي كنيم.

باعتقاد من كويت و ۴۰ درصد ذخاير نفت را در اختيار دارند و از طريق كاهش توليد قيمت نفت را در سطح جهاني تعيين كند.
ايالات متحده سه راه در برابر خود داشت: مي توانست به شكل ياسبو آنچه را كه در سازمان ملل مورد اتفاق آراست تايد نمايد. مي توانست از آنچه ديگر دموكراسي هاي صنعتي (كه بيش از ايالات متحده به نفت خاورميانه وابسته اند) متفقا انجام مي دهند حمايت نمايد و يا مي توانست رهبري مخالفت با صدام را عهده دار گردد و كوشش نمايد حمايت بين المللي را براي تلاشي كه ايالات متحده در آن نقش اصلي را دارا در جلب نمايد.
دلايل متعددي براي احتراز از تصميمات ديگر وجود داشت. مد روزترين استدلال اين است كه دفاع از منطقه مساله اهراب است. اما در نهايت نتيجه محل وقوع جرم نمي تواند نتيجه شكست مقاومت را تغيير دهد. همچنين از كشورهاي عرب حتى در همراهي با ديگران آنقدر قوي نيست كه بتواند ارتش عراق را شكست دهد. ارتشي كه در جريان جنگ طولاني آبدیده شده با پيشرفته ترين تكنولوژي نظامي توسط شوروي و فرانسه تجهيز گرديده و از كمك هاي اقتصادي دموكراسي هاي فربي منجمد ايالات متحده بهره مند گرديده است. چنين استدلالي در جهت ايزوله كردن آمريكا بالاخص در ميان محافظه كاران عمل مي كند. اگر اين استدلال پيش رود منجر به كناره گيري آمريكا در زماني كه مبارزه شرق و غرب با پيروزي به پايان رسيده مي گردد.



خاورميانه پايان خواهد بخشيد و هيچ كشور ديگري نمي تواند اين نقش را عهده دار گردد. اين امر ظرئيت دولت را براي فلبه بر بحران اقتصادي كه به طور اجتناب ناپذير در چنين شرايطي پديد خواهد آمد تضعيف مي نمايد.
نادرست است كه تنها بر مشكلات آمريكا تاكيد نماييم. عراق كشوري است با ۱۶ ميليون جمعيت و شدت مقروض كه اخيرا جنگ با ايران را پايان داده و روابط خصمانه اي با ۴ همسايه از شش كشور مجاور خويش دارد. عراق در موقعيتي نيست كه بتواند درگيري درازمدتي را با آمريكا ادامه دهد. صدام حسين در جريان جنگ با ايران اثبات كرديده هر گاه لازم باشد آماده مذاكره است. پيشنهاد اخيرا و كه حاضر به عقب نشيني از كويت البته با شرايطي و قبحانه است. مي تواند آغازگر تلاشي براي مذاكره باشد كه در لافاه لاف زدن پوشيده شده پيشنهاد عقب نشيني مي تواند در آينده مجددا ظاهر گردد بدون اينكه در شكل بي معني كنواني طرح گردد.

اما ايالات متحده نمي تواند بپذيرد كه قريب بخورد و نمي تواند شكست را قبول كند. اگر به اين نتيجه برسيم كه ماحصل سياست محاصره اقتصادي و فشار ديپلماتيك بسيار نامعين است در آنصورت ايالات متحده نياز به بررسي جراحي تاسيسات نظاي عراق را خواهد داشت. بخصوص آن جهت كه اگر صدام حسين موقعيت خود را حفظ كرد، و ماشين نظامي وي بي آسيب باقي بماند اين موقعيت تنها يك فاصله و تدارك براي تهاجمات بعدي وي خواهد بود.

توني بن (از رهبران جناح چپ حزب كارگر)

كنفرانس صلح سازمان ملل

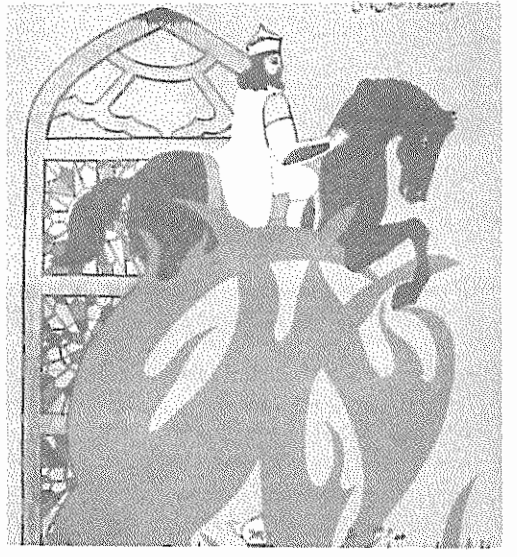
براي حل درگيري عراق

نيروهاي حافظ صلح سازمان ملل در كلييه مناطق بعراقي.
۲ - اعاده استقلال كويت، استقرار دولت فلسطين و تامين امنيت اسرائيل بر مبناي مرزهاي پذيرفته شده بين المللي و مذاكره جهت پيمان صلح پايدار مابين همه ملل منطقه.
۳ - استقرار صندوق توسعه سازمان ملل و هدايت پولي كه امروز صرف خريد سلاح مي گردد در راستاي نيازهاي مردم. امضاء قرارداد محدود كردن و كنترل تجارات بين المللي سلاح.
۴ - مذاكره براي تاسيس كنوانسيون نفت سازمان ملل جهت تضمين منافع عادلانه توليدكنندگان و تامين امنيت توليد نفت براي مصرف كنندگان، بررسي برنامه بين المللي توليد انرژی و كنترل كمپاني هاي نفتي.
مهران

امروز حمايت گسترده اي از اعمال تحريم اقتصادي عليه عراق به عمل مي آيد اما اشتياق گسترده اي نيز در شكل دهی نيروهاي نظامي خارج از سازمان ملل وجود دارد. سياستي كه خطر درگيري و وسيع تري در منطقه را كه مي تواند به نتايج فيرقابل پيش بيني براي صلح جهاني منتهی گردد را افزايش مي دهد.
مي بايست امروز سازمان ملل مصممانه ابتكار برپايي كنفرانس صلح بين المللي را به كار گيرد كنفرانسي كه همه ملل منطقه و سازمان آزاديبخش فلسطين به آن دعوت شوند دستور كار كنفرانس بايد چنين باشد:
۱ - عقب نشيني فوري همه نيروهاي خارجي به مرزهاي پذيرفته شده بين المللي منطبق بر همه قطعنامه هاي سازمان ملل درباره خاورميانه و استقرار

نمایش "سوک سیاوش" در کلن

مهر داد کیمیایی



در هزاره فر دوسی، نمایشنامه "سوک سیاوش" به کارگردانی صادق هانفی در روزهای نهم تا چهاردهم سپتامبر در سالن کوچک کونست موله (Kunst mühle) اجرا شد. بازیگران این نمایش به ترتیب زیر بودند:

- ایرج راد: اسدالله
- هادی اسلامی: اصغر آقا
- مرجان گلچین: هروس
- دلدار گلچین: مادر
- محمد شیرازی: سهراب
- نصرت طاهری: مظاهر: حسین
- ساحل ساعت ساز: دختر خردسال اصغر آقا
- مصطفی عبدالهی: مرشد رضا
- حسین سحر خیر: پرویز شاگرد قهوه خانه
- صدرالدین حجازی: یکی از سپاهپوشان
- نمایشنامه: "سوک سیاوش" در پایان نخستین شب برنامه سخنرانی‌هایی که بنیاد فرهنگی محوی در دانشگاه کلن ترتیب داده (کنگره هزارمین سالگرد سرایش شاهنامه فر دوسی) بار دیگر به اجرا در آمد. دو روز بعد، در هامبورگ اجرا شد و قرار است از سوم اکتبر به مدت ۵ شب در مرکز لهستانی های شهر لندن در انگلستان نیز به اجرا آید.

در باره نمایش: فضای نمایشنامه یک قهوه خانه سنتی است. اصغر آقا پدر سیاوش، مرد جا افتاده ای است که سالهای بسیار تقالی می کرده، مدتی شغل فراشی یک مدرسه را به عهده داشته است و اکنون سالهاست که تقالی نمی کند و از شغل فراشی هم اخراج شده. او اکنون صاحب قهوه خانه ای است که نمایشنامه در آن اتفاق می افتد. اسدالله تقریباً هم سن و سال اصغر آقا و از دوستان و یاران قدیمی اوست. اسدالله در گذشته در اجرای نقش‌های شاهنامه با اصغر آقا به نمایش تقالی میپرداخته است. سهراب مرد جوانی است که در نمایش‌های تقالی همیشه نقش سهراب پسر رستم را بازی می کرده و نیز تنبک نواز و ضرب زن نمایش‌ها بوده است. مرشد رضا نقال سیاری است که به روایت نمایشنامه، از سیستان بر می گردد و با خود خبرهایی از کسادبازار تقالی در دیار تهمتن دارد. قهوه خانه پاتوق این دوستان قدیمی است که هر از چندگاه گرد می آیند و از روز و روزگار باهم صحبت می کنند. پرویز شاگرد قهوه چی شوخ و با نمکی است که تماشاگر از دهان اوست که خبرهایی در باره حسین، کارگر قهوه خانه که بیشتر در انبار زیر زمین مشغول کار است، می شنود. همسر اصغر آقا (مادر) و همسر سیاوش (هروس) شخصیت‌هایی از نمایشنامه اند که پیش از سایر شخصیتها حامل بار عاطفی نمایشنامه این ها و دختر خردسالی (دختر اصغر آقا) که تنها در دو صحنه حاضر می شود، شخصیت‌های اصلی نمایشنامه را تشکیل می دهند. هنگامی هم که تقالی داستان مرگ سیاوش از دل زندگی آدم‌های بازی می جوشد، همین شخصیت‌ها باز یگر نمایش تقالی می شوند، و البته در این کار تعمدی است برای نشان دادن استمرار تراژدی سیاوش در زندگی کنونی. تماشاگران از همان ابتدای نمایشنامه در می یابند که سیاوش پسر اصغر آقا کشته شده. چگونه؟ پاسخ روشنی در میان نیست. شاید در جبهه، شاید... نمی توان به گونه ای روشن بر آن انگشت گذاشت. اما در یکی از صحنه‌ها یک مسئله برای تماشاگر معلوم می شود: هروس اصغر آقا در صحنه‌ای می گوید که گور شوهرش بی نام و ناپیدا است: "بارون همه سنگ هارو شست، گورش گم شد و ماهر جای زمین به دنبال گوری گمشده بودیم، سرگردان و آشفته." و در همان صحنه مادر سیاوش یعنی همسر اصغر آقا می گوید: "صدام زیر گنبد شهر پیچید. جز پژواک خبری نیومد، حس کردم می بینمش، حس کردم برگرد ستاره فلکی سواره و دور میشه،..."

اسدالله: آقا سهراب، شما دیگه چرا، تو که حال و روز مونو تو خوب می بینی، چطور سیاوش اینجا نمی بینی، حسین رو نگاه کن، انگار سیاوش جلوت و ایساده، مثل سبسی که از وسط دو

نمایش کرده باشن نیم اینجا و نیم در دریا سهراب: دنیا عجیبه وقتی اصغر آقا متوجه تصمیم حسین می شود و می فهمد که حسین برای ادامه راه پسرش سیاوش که زندگی سیاوش شاهنامه را تکرار کرده بود مصمم است، آهنگ نمایش به تدریج تغییر می کند: با صحنه‌هایی از صحنه‌های مرشد رضا که در تصویر می کند و نیز با نشان دادن صحنه گویایی که هروس در تخیلات اصغر آقا میبرد که چرا او را از رفتن شوهرش خبر نکرده و همچنین پریشانی‌های مادر که "چرا گذاشتی بره؟" "مقدمات زایش داستان سیاوش از دل داستان سیاوش‌های امروز و فردا فراهم می شود. اصغر آقا با دیدن رنگ چای آلبالویی که در دست اسدالله است، خون سیاوش برایش تداعی می شود و احساس می کند که دلش می خواهد نقل سیاوش را بگیرد و نمایش با ریتم رزمی وارد فضای داستان سیاوش شاهنامه می شود. این یک تقالی ساده نیست، که یک رستاخیز است بار ستاخیزی که در آن حماسه سیاوش سه نسل، یعنی سیاوش دیر، سیاوش امروز و سیاوش فردا توهمان صورت میگیرد:

در باره نویسنده و کارگردان نمایشنامه

صادق هانفی کمی بیش از چهل سال سن دارد. به جز تعدادی کار دانشگاهی (اتودهای درسی) تا پیش از فارغ التحصیل شدن کار نمایشی قابل ملاحظه‌ای ارائه نداده بود. در اواخر دهه ۴۰ در روزنامه کیهان نقدتئاتر مینوشت. سال ۷۵ نمایشنامه‌ای به نام "ولد کشته" نوشت و به کارگردانی خودش در تئاتر سنگلج به نمایش درآمد. در این نمایش، جمشید مشایخی هم بازی می کرد. سال ۷۹ نمایشنامه سیرک بزرگ با شکوه را به اجرا آورد. نویسنده این نمایشنامه که اقتباسی بود از داستان "نیل در پرونده" خود او بود. نمایشنامه دیگری به نام "استقبال" نیز از آثار اوست که به کارگردانی خودش به اجرا آمد. حدود ده سال پیش نمایشنامه "دستهای آلوده" اثر ژان پل سارتر را به اجرا آورد. او در ۱۴ فیلم سینمایی نقش داشت که معروفترین آنها آوار و سیمرغ است. آخرین اثر او سوک سیاوش برای اولین بار در سال ۷۷ به کارگردانی سیاوش طهمورث در سالن تئاتر شهر تهران به اجرا آمد. در این اجرا صادق هانفی خود نیز بازی می کرد و نقش اسدالله را داشت. بار دیگر قرار بود در ایران به کارگردانی صادق هانفی به اجرا آید که به سبب مشکل تهیه سالن این اجرا میسر نشد. این نمایشنامه به کارگردانی نویسنده نمایشنامه، در تئاتر دوپاری پاریس با استقبال خوب تماشاگران مواجه شد و اجرای اخیر آن در شهر کلن بود.

نیدونم، اما می‌گه ... حسین: تاحالاشم که موندم، محض خاطر گل روی اصغر آقا بوده پرویز: خیلی خاطر شمارومی‌خواد اصغر آقا: نگفت کجایم خودم بره پرویز: می‌گفت حسین: بهر جا غیر از اینجا پرویز: میدونی اصغر آقا چی میگه؟ میگه حسین: از قفس مرغ بهر جا که رود بستان است اصغر آقا: یعنی حالا دیگه قهوه خون ما قفس شد پرویز: والا فکر نکنم منظور این بود، میگه ... حسین: وقتی جایی که هستی برات تنگ شد، دیگه نباید بمونی، دیگه قفسه، حتی اگر باغ هشت بهشت باشه پرویز: منظور قهوه خونه نیست اصغر آقا: (کاملاً در خود) سیاوش ... (ومی‌نشیند) اصغر آقا با گفتن "سیاوش ... می خواهد بگوید که حسین هم مثل سیاوش دارد می‌رود و این همان قرینه سازی زندگی سیاوش پسر اصغر آقا در حسین است. و بلافاصله مرشد رضا شرایط رفتن سیاوش را تصویر می کند: "صعب روزی بوالعجب کاری، پریشان عالمی! این قرینه سازی و یاتشابه زندگی، در گوشه دیگری از نمایش با تاکید بیشتری گفته شده است. در اعتراض اسدالله به سهراب تنبک زن که می گوید قیافه سیاوش دیگر از یادش رفته می شنویم:

تماشاگر تماماً مسحور فضای اساطیری شاهنامه نشود و ارتباط اساطیر را با واقعیت‌های دور و برش احساس کند از چند شیوه استفاده می کند. از این شیوه‌ها سه مورد را می توان به طور مشخص نام برد:

۱- استفاده از فن فاصله گذاری (شیوه ابدایی بر تولد برشت):

در تمام طول نمایشنامه از این شیوه به دفعات و با مهارتی خاص استفاده می شود. مثل نمونه‌های زیر: هنگامیکه اصغر آقا در چهره نقال شاهنامه ماجرای تولد سیاوش را شرح میدهد و می گوید: "ستاره شناسان سرنوشت سیاوش را شوم دیدند." ناگهان در فکر فرو میرود. و این دیگر نقال نیست، بلکه اصغر آقا است که نه به سرنوشت شوم سیاوش شاهنامه که به سرنوشت اندوهبار نرژند خویش اندیشه می‌کند.

* هنگامی که سیاوش در جنگ با نیروهای افراسیاب موفق به راندن نیروهای تو را ن از مرز ایران می شود و برای تهمتن دل از کینه افراسیاب می شوید و سیاست صلح و دوستی با تورانیان را پیش میبرد، پدرش، کاووس شاه بر او خشم میگیرد و از پسر می خواهد که یا به جنگ ادامه دهد و اسیران جنگی به ایران فرستد تا کشته شوند یا سپاه به طوس بسپارد و خود باز گردد. سیاوش که از یکسو نمی خواهد پیمان صلح با افراسیاب را نادیده بگیرد و بی گناهان را به کشتن دهد و از سوی دیگر سپردن لشکر به طوس، خشم شاه و مکر سودابه را برایش به همراه دارد، شدیداً با خویش و در افکار خویش درگیر است و فغان سر می دهد که "... رستم به سیستان باز گشته است، طوس در راه است و من تنها، از هر سوی بدی می تازد و من تنها، ای آسمان، ای دادار، ای امورا، برگو چه کنم. در این جا یکباره نقال که اصغر آقا است به یاد فرزندش می افتد، نمایشنامه بافت تاریخی نمایش را از هم می‌درد و اصغر آقا رانه به عنوان نقال که در چهره پدر سیاوش به سوی اسدالله و نه سیاوش می کشاند، دو دوست و دو همسر در آتش در آتش یکدیگر را می فشرند و اصغر آقا حرف سیاوش را برای اسدالله تکرار میکند.

اصغر آقا: چه کنم؟ چه کنم؟ برای لحظه‌ای اصغر آقا و اسدالله دست یکدیگر را میگیرند و در چشمان هم خیره می‌شوند اسدالله او را به ادامه کار میفرستد.

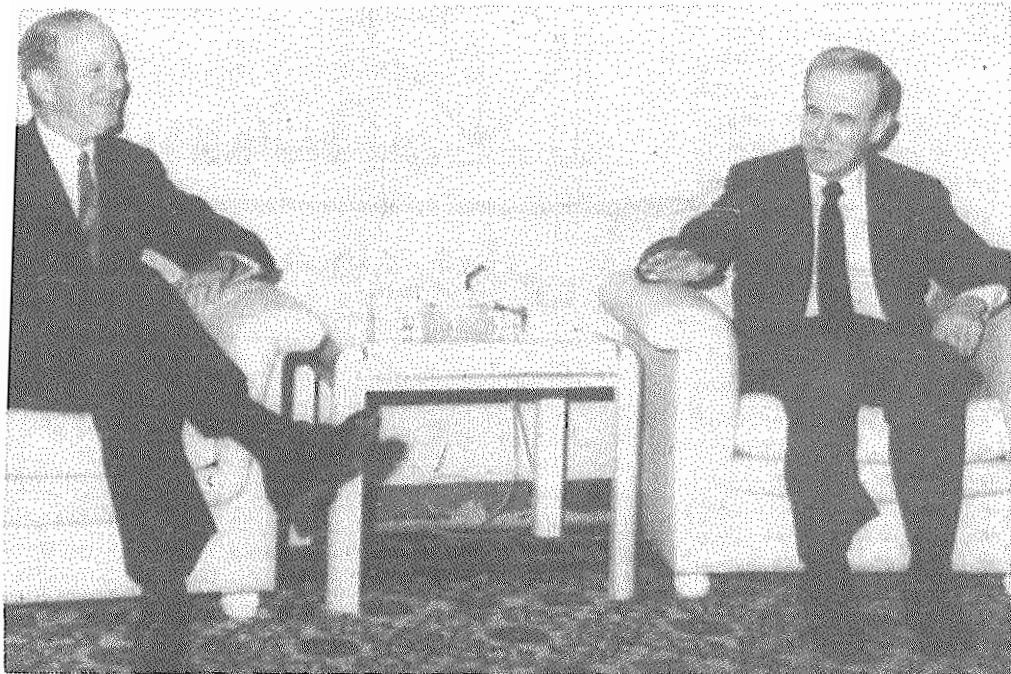
۲- استفاده از افراد امروزی نمایش به جای شخصیت‌های اساطیری

در طول نمایشنامه بارها آن دسته از آدم‌های بازی که زندگی امروز را تصویر می کنند برای ارائه تصویر شخصیت‌های اساطیری شاهنامه به کار گرفته می شوند. برای نمونه: نقش ماهر وی را که همان مادر سیاوش است، زن اصغر آقا که مادر سیاوش امروزی است به عهده دارد. * در صحنه نبرد سیاوش با دو تن از پهلوانان توران، یکباره حسین (کارگر قهوه خانه) که سیاوش آینده است به جای هنرپیشه ای که نقش سیاوش اساطیری را بازی میکند قرار میگیرد. نویسنده و کارگردان بدین ترتیب تماشاگر را از فضای اساطیری به فضای امروز و آینده می کشاند. * در صحنه ای که سیاوش با همسرش فرنگیس دختر افراسیاب خلوت کرده و از مشکلات و خطری که جان سیاوش را تهدید می کند صحبت میکنند، یکباره حسین با یک سطل پیاز، در حال عبور، بر صحنه ظاهر میشود. وقتی به اسدالله که نقش سیاوش را بازی میکند میرسد، اسدالله از قالب سیاوش بیرون می‌آید و شغل سیاوش را به حسین میدهد و سطل را از او میگیرد و میرود. و بقیه صحنه را حسین در نقش سیاوش بازی می کند.

۳- ارائه صحنه‌هایی که هم اساطیری اند و هم امروزی

در سراسر نمایش، صحنه‌های متعددی هستند که بخشی از هنرپیشگان در حال ارائه نقش اساطیری هستند و بخش دیگر در حال و هوای امروزی سیر می کنند. برای مثال: * در صحنه‌ای که گرسیوز می‌کوشد تا کینه سیاوش را در دل افراسیاب بکارد او را به جنگ با سیاوش ترفیق کند، اسدالله و اصغر آقا نه در چهره نقال، که در چهره دو دوست کنار یکدیگر نشسته‌اند و همان فضای قهوه خانه و زندگی امروزی را تصویر می کنند. * در صحنه‌ای که سیاوش به قتل می‌رسد، با صدای دلدار گلچین در حال‌های فم انگیز و زیبا، شعر رهی بقیه در صحنه

ملاقات وزیر امور خارجه امریکا و رئیس جمهور سوریه



کرد که کشورش تعداد سربازان سوریه موجود در عربستان سعودی را از ۴۰۰۰ نفر به ۱۵۰۰۰ نفر افزایش خواهد داد.

لیست کشورهایی قرار دارد که وزارت امور خارجه امریکا را متهم به حمایت کردن از تروریسم بین‌المللی می‌کند. فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه پس از پایان سفر بیکر اعلام

جیمز بیکر وزیر امور خارجه امریکا روز جمعه ۱۴ سپتامبر سفر خود را به سوریه پایان داد. او پس از ملاقات با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه فضای مذاکره را کاملا دوستانه خواند. سوریه در

ماندلا: "مقاومت دشوار است"

که از قطار به بیرون می‌شتافتند، آتش گشودند. یک ناظر هینی خبر داد که جوانان به صوت سیستماتیک کار می‌کردند و واگون‌ها را یکی پس از دیگری می‌گشتند. تمامی این‌ها، آشکارا به خوبی سازمان داده شده بود. واگون‌ها و سکوی راه‌آهن تماما به خون آغشته بود. بنا به اطلاع پلیس مجرمین به قبیل زولو تعلق داشته‌اند. اما اینکه سرنشینان قطار، افرادی از گروه‌های مختلف سیاه‌پوست وجود داشته‌اند، نشان می‌دهد که این حمله نمی‌تواند کار گروه مشخصی باشد. ضمناً پلیس احتمال داد که افرادی که مسئول کشتار روز جمعه هستند، قاتل سه راننده سیاه‌پوست تاکسی در شهرک سیاه‌پوست نشین سووتو باشند. در سووتو افراد ناشناس به یک نفر پلیس نیز حمله کردند.

تجدید است. "تصمیمات جدید برای تخفیف دامنه درگیری‌ها هفته آینده هلنی خواهد شد. هفته گذشته در نتیجه حمله گروهی از جوانان سیاه‌پوست به یک قطار محلی حامل سرنشینان سیاه‌پوست ۲ نفر کشته و ۱۰۰ نفر مجروح شدند. براساس گزارش ناظرین هینی گروهی شامل ده جوان با نیزه و سلاح‌های مشابه به سرنشینان قطار حمله کردند. یک شاهد هینی گفت: "من فکر نمی‌کردم که بتوانم زنده از سرنشینان کوشیدند برای نجات جان خود از پنجره‌های قطار در حال حرکت به بیرون بپرند و یازیر صندلی‌های قطار مخنکی شوند. مقتولین این حادثه بیش از همه مردان و زنان پیری بودند که نتوانستند خود را به مکان امنی برسانند.

روز جمعه ۱۴ سپتامبر دیداری میان مقامات عالی دولت سفید پوست آفریقای جنوبی و اپوزیسیون سیاه‌پوست این کشور صورت گرفت. فردریک دکلرک فرانسوی و نلسون ماندلا که در پی خونریزی مجدد میان سیاه‌پوستان، به دیدار هم نشسته بودند، امکانات تخفیف درگیری را مورد بررسی قرار دادند. ماندلا گفت که در بدنه ANC ناراضی‌ها افزایش یافته است. ولی افزود که هیچگاه هواداران خود را تا بدین حد ناراضی ندیده‌است. ماندلا گفت "آن‌ها تقاضای سلاح می‌کنند و این برای ما بسیار دشوار است که در مقابل این خواست بایستیم." دکلرک قبلاً گفته بود که نیروهایی وجود دارند که امیدوارند این مذاکرات نتیجه‌ای در بر نداشته باشد. موج جدید خشونت، آتش‌افروزی و ضایعات مالی از جانب هیچ دولت متمدنی پذیرفتنی نیست. "آفریقای جنوبی نوین، که هدف تمامی اتباع این کشور است، در نتیجه این اقدامات در معرض

در نتیجه درگیری‌های چهار هفته گذشته میان دو قبیل زولو و اکوزا تاکنون ۷۵۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

همین این جنایت قبل از ورود قطار به ایستگاه راه‌آهن گریختند. شاهدان هینی خبر می‌دهند که در ایستگاه راه‌آهن گروه دیگری از سیاه‌پوستان حاضر بودند که بر روی سرنشینانی

مخالفت گارباچف با طرح ریشکوف

میزان ۳۰ درصد خواهد شد و هیچگونه ابتکاری برای حمایت از مردم در طرح پیش‌بینی نشده است.

استانیسلاو شاتالین که مورد حمایت نیروهای رادیکال از جمله باریس یلتسین است، پشتیبانی کرد. نیکلای ریشکف نخست‌وزیر اتحاد شوروی در جوابیه خود در پارلمان ضمن رد کردن انتقادات وارده به برنامه دولت اظهار کرد که عملی شدن طرح شاتالین به طور قطع منجر به پایین آمدن سطح زندگی در اتحاد شوروی به

میخائیل گارباچف در پارلمان اتحاد شوروی خواهان سرعت بخشیدن به روند اقتصاد بازار در کشورش شد. گارباچف در سخنرانی خود از طرح نیکلای ریشکوف، نخست‌وزیر شوروی به خاطر حضور عناصر جدی از اقتصاد برنامه‌ای در آن شدت انتقاد کرد و به شکل غیرمنتظره‌ای از طرح اقتصادی



ساحل هاج از فقیرترین کشورهای آفریقای است. مردم بسیاری از گرسنگی می‌میرند. پاپ دریک زره پوش می‌رود تا کلیسای رادر "پامو سکوری" در ساحل هاج افتتاح کند. کلیسایی که بزرگترین و گرانترین کلیسای جهان است. ۲۵۰ میلیون دلار هزینه ساختن آن شده است و تنها کلیسای اصلی واتیکان با آن قابل مقایسه است. شاید پاپ اندیشیده است که اگر سر رو به بالا باشد، گرسنگی شکم فراموش می‌شود. شکم گرسنه باید دین و ایمان داشته باشد.

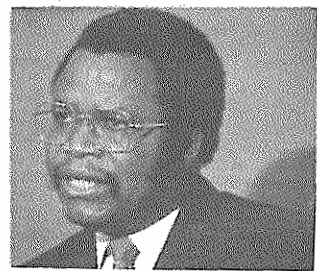
توافق دولت و نیروهای اپوزیسیون در کامبوج

در طرح صلح سازمان ملل متحد تصریح شده است که تا زمان برگزاری انتخابات آزاد در کامبوج نیروهای صلح سازمان ملل اجرای آتش‌بس بین طرفین درگیر نظارت خواهند کرد و مسئله کرسی نمایندگی کامبوج در سازمان ملل به طور موقت و مشورتی اداره خواهد شد.

وزیر خارجه اندونزی و معاون وزارت خارجه فرانسه که مسئولیت برگزاری نشست جاکارتا بین نیروهای درگیر کامبوجی را عهده‌دار بودند در پایان مذاکرات پذیرش طرح صلح سازمان ملل متحد را گامی بزرگ برای رسیدن به صلح در کامبوج اعلام کردند.

نیروهای درگیر در کامبوج هفته گذشته در جاکارتا پایتخت اندونزی بر سر ایجاد شورای ملی به توافق رسیدند. برپایی شورای ملی بخشی از طرح سازمان ملل متحد برای پایان دادن به منازعات موجود بین دولت هون سن و اپوزیسیون می‌باشد.

رئیس جمهور لیبریا کشته شد



جنگ خونین و چند ماهه در لیبریا هفته گذشته با به قتل رسیدن "ساموئل دو" رئیس جمهور لیبریا توسط نیروهای شورشی ژنرال جانسون وارد مرحله تازه‌ای شد. با مرگ "دو" تلاش نیروی صلح کشورهای آفریقای غربی برای برقراری آتش‌بس بین طرفین درگیر با معضلات جدیدی روبرو خواهد شد. یک روز پس از قتل رئیس جمهور لیبریا، دیوید نیجلی رئیس گارد ریاست جمهوری خود را جانشین "دو" خواند و بر ادامه جنگ علیه شورشیان توسط نیروهای طرفدار "دو" تاکید کرد.

طرح پیشنهادی برای حل مساله کردها در ترکیه

ترجمه از: جبار

۱۹۶۷ تز دکترای خود را تحت عنوان "سازمان اجتماعی یک قبیله کوچکتر" که زمستان‌ها سیل فان "Silvan" و تابستان‌ها بر روی کوه‌های نهرود و "Suphan" به سر می‌برند، نوشت. در اواخر سال ۱۹۶۷ در تظاهرات شهرها و دهات مختلف کردستان (سیل فان، دیاربکر، زینگیر، ناگری، درسیم، بات‌هان و...) فعالانه شرکت کرد. در سال ۱۹۶۸ نوشته‌ای در مورد تغییرات اجتماعی خلق کرد منتشر نمود. سال بعد اولین کتابش تحت عنوان "ساخت جامعه، اقتصاد و زمینه عمومی شرق آناتولی به بازار عرضه شد. در سال ۱۹۷۰ در دانشگاه آنکارا در بخش سیاست آزاد شروع به کار تحقیق و تجسس نمود. در سال ۱۹۷۱ به دلیل فعالیت سیاسی از دانشگاه اخراج گردید. در همین بقیه در صفحه ۷

ترکیه اشاره‌ای می‌شود. این نوشته برگردانی است از مقاله‌ای که در مجله شماره ۱۶ کردستان آرشیو Arschiv Kurdistan به زبان آلمانی درج شده است. اسماعیل بیشکچی در سال ۱۹۳۹ میلادی در ایسکیلیپ "Iskilip" نزدیک "Corum" متولد شد. در سال ۱۹۶۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در آنکارا به پایان رساند و در سه سال دانشجویی یک پراکتیکوم در "Elazig" کردستان گذراند. خدمت سربازیش را در دو شهر کردستان به نامهای "تیلیس" و "هکاری" به اتمام رسانید. در سال ۱۹۶۴ به عنوان کارمند در "Hozat" شروع به کار کرد و در اواخر همان سال به عنوان دستیار جامعه‌شناسی وارد دانشگاه آنکارا گردید. سال

سرکوب ملت کرد در ترکیه تا حد انکار و محو و نابودی این ملت از سابقه طولانی برخوردار است. دولت فاشیست ترکیه هرگونه ندای حق طلبی در ارتباط با ملت کرد را همچنان با سرکوب و حشیانه پاسخ می‌گوید. در ترکیه دستگیری و زندان و شکنجه و کشتار مبارزان دموکراسی و آزادی قطعاً مختص به ملت از مملکت‌های سرکوب این کشوردار است. در همین رابطه تا به حال مبارزان فیرکرد زیادی نیز به دلیل دفاع از حقوق کردها و یا طرح مساله کردها تحت پیگرد و شکنجه و زندان قرار گرفته‌اند. در این نوشتار فقط به دو نمونه از جمله آزار و زندانی کردن مبارز ترک اسماعیل بیشکچی و تونجا ارسلان که ترک هستند ولی از حقوق ملت کرد دفاع کرده‌اند و نیز طرح پیشنهادی تونجا ارسلان در رابطه با کل مساله کردستان در

برای اشتراك نريات "كار" و "اكثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر بستی و یارسید باتکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
تثریه "كار"	يك ساله	۱۱ مارك	۱۳ مارك
		۲۱	۲۲

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
تثریه "اكثريت"	يك ساله	۳۲ مارك	۳۹ مارك
		۶۲	۷۶
		۱۴۰	۱۵۰

آدرس كامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>AKSARIYAT NO. 319 MONDAY 17.Sep.1990</p>	<p>اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور</p>
<p>آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W.GERMANY</p>	<p>حساب بانکی M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln W.GERMANY</p>